

چرا محسن برهانی سیبل شد؟

در گزارشی تحلیلی توسط يك حقوقدان بررسی شد

محمد امین رادمند

این روزها نام دکتر محسن برهانی در رسانه‌ها و فضای مجازی مکرراً شنیده می‌شود. اعتراضات او به احکام صادره و نقدهای حقوقی‌اش به اقدامات قضایی جاری در پرونده‌های اعتراضات اخیر باعث شد تا نام این استاد دانشکده حقوق دانشگاه تهران بر سر زبان‌ها بیفتد و امروز محسن برهانی تنها برای دانشجویانش شناخته شده نباشد. چندی پیش خبرگزاری فارس نامه غیرمنتظره‌ای را منتشر کرد. محتوای نامه بیانگر این بود که هیات اجرایی جذب اعضای هیات علمی دانشگاه تهران با ادامه عضویت دکتر برهانی در هیات علمی دانشکده حقوق مخالفت کرده است. در گزارش فارس به نقل از یکی از اساتید دانشگاه تهران (که نامی از او برده نشده)، دلایل مخالفت با حضور دکتر برهانی، «عجز علمی»، «حمایت از ازدواج سفید»، «تجویز و ترویج ارتباطات غیراخلاقی میان دانشجویان» عنوان شده بود. برخی رسانه‌ها و کاربران توئیتر نیز برهانی را به موج‌سواری روی اتفاقات اخیر، تلاش برای کسب شهرت و حتی مقدمه‌سازی برای خروج از کشور و پناهندگی متهم می‌کنند. اما آیا به راستی محسن برهانی دارای عجز علمی است و از ازدواج سفید حمایت کرده و با مخالفت نسبت به اعدام‌های اخیر به دنبال موج‌سواری است؟ از آنجا که آشنایی بسیاری از شهروندان با دکتر محسن برهانی صرفاً از طریق توئیتهای او و صفحه اینستاگرام وی است، شاید دانستن اطلاعات بیشتری از او بتواند در شناخت دقیق‌تری از ایشان و بالطبع راستی‌آزمایی این اتهامات کمک خوبی کند.

برهانی در يك پاراگراف

محسن برهانی متولد هشتم آذر 1357 است. وی از سال 1375 وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران (پردیس فارابی) شد و سپس کارشناسی ارشد خود را از همان دانشگاه و در گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی دریافت کرد. از آنجا که در آن سال دانشگاه تهران در مقطع دکترای حقوق جزا، جذب دانشجوی نداشت، برهانی برای تحصیل در این مقطع، به

دانشگاه تربیت مدرس رفته و در سال 1388 با مدرک دکتری از دانشگاه تربیت مدرس فارغ‌التحصیل شد. در دوره‌ای که فضای سیاسی جامعه و به تبع آن، دانشگاه‌ها در اختیار گرایش خاصی بود، برخی از اساتید آن جریان که محسن برهانی را به علت دانش بالا و سخت‌کوشی در دوران دانشجویی می‌شناختند، اقدام به جذب ایشان در هیأت‌علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران (پردیس مرکزی) کردند. در آن زمان شایعه شده بود که ایشان به جای آقای دکتر حسین آقایی‌نیا (از اساتید بنام دانشکده که مشمول بازنشستگی اجباری شد) به عضویت هیأت علمی درآمده و به همین دلیل برخی از دانشجویان آن دوره حاضر به شرکت در کلاس‌های ایشان نبودند. اما گذشت زمان رفته‌رفته نشان داد که تصور اساتیدی که او را جذب کرده بودند، درست بود و تصور دانشجویان معترض، صحیح نبوده است. او هیچ نوع نگاه جناحی ندارد و برعکس، شخصیتی کاملاً علمی و منصف دارد. تعداد زیادی از دانشجویانی که در آن ایام با وی عداوت داشتند، بعد از مدتی تبدیل به دوستان نزدیکش شدند و کلاس‌های او تبدیل به یکی از شلوغ‌ترین کلاس‌ها شد.

عجز علمی

برخلاف بسیاری از اساتیدی که پیشینه فقهی دارند، برهانی به آموخته‌ها و بحث‌های فقهی اکتفا نکرده و در علوم روز حقوقی نیز تبحر دارد. او حتی به حقوق کشورهای غربی و منابع انگلیسی‌زبان نیز تسلط دارد و علاوه بر تدریس واحدهای فقه و اصول، دروسی مانند حقوق جزای عمومی و اختصاصی و فلسفه حقوق را نیز تدریس می‌کند. او علاوه بر تالیف چند جلد کتاب، مقالات متعددی نیز به چاپ رسانده که می‌توان به «صلاحیت دیوان داور در دعوی نفتی یوکاس علیه روسیه»، «وضعیت فقهی و حقوقی پدیده ترانس سکسوالیسم»، «حق دسترسی به داروها و حق حمایت از اختراعات دارویی»، «نقش عرف در تحلیل مولفه روانی جرم و عوامل زوال مسوولیت کیفری» و عناوین متعدد دیگر اشاره کرد که همگی با جستوجو در اینترنت قابل دستیابی هستند. گفت‌وگویی ساده با دانشجویان دانشکده و مروری بر آثار علمی محسن برهانی، اتهام عجز علمی را به یک برجسب سیاسی صرف تقلیل می‌دهد.

نگارنده خود از نزدیک شاهد بوده که محسن برهانی به دور از تکلفات رایج اساتید حقوق و با داشتن روحیه طنازانه، رابطه بسیار گرمی با دانشجویان داشت و به‌رغم سخت‌گیری‌های زیاد علمی، برگزاري کلاس‌های طولانی و فوق‌العاده و همچنین الزام دانشجویان به خواندن مقالات به زبان انگلیسی، کلاس‌های او همواره جزو محبوب‌ترین کلاس‌های دانشکده بود.

حمایت از ازدواج سفید و ترغیب دانشجویان به بی‌بندوباری؟

ادعای حمایت از ازدواج سفید، به همایشی بازمی‌گردد که سال 1395 در دانشکده حقوق دانشگاه تهران برگزار شد. در آن جلسه که اساتید مختلفی سخنرانی کردند و فایل‌های صوتی آن نیز موجود است، ایشان به هیچ‌وجه دفاعی از این پدیده نوظهور نداشته است و فایل صوتی محسن برهانی که در دسترس است، موید این نکته است. همچنین در سال 98 (سه سال بعد از آن سخنرانی) برای تبدیل وضعیت به رسمی- آزمایشی صلاحیت ایشان تایید شده بود و حتی موضوع در دادگاه ویژه روحانیت نیز مطرح و حکم برائت صادر شد. پدر محسن برهانی ملبس به لباس روحانیت بود و از سمت مادری از نوادگان آشیخ علی زاهد قمی از علمای بزرگ و با تقوا است. آشیخ علی زاهد از شاگردان آخوند خراسانی و امام جماعت مسجد هندی در نجف بوده و در زمان اقامه جماعت، مراجع و علمایی نظیر آقا ضیاءالدین عراقی، محمدحسین غروی اصفهانی، سید محسن حکیم، میرزا عبدالهادی شیرازی، سید محمد شاهرودی و سید ابوالقاسم خویی به او اقتدا می‌کردند. محسن برهانی نیز مانند پدر و اجداد خود به تحصیل و بحث علوم دینی و حوزوی پرداخت و علاوه بر تدریس دروس دانشگاهی، به تدریس دروس حوزوی نیز اشتغال دارد. تعدادی از قضات شرع حزب‌الله لبنان نیز جزو شاگردان ایشان در قم هستند. هرکسی که محسن برهانی را از نزدیک بشناسد و با او نشست و برخاست کرده باشد، گواهی می‌دهد که محسن برهانی جزو اساتید بسیار متدین، متشرع، اخلاق‌مدار و عالم است و کسانی که به دنبال اثبات عدم صلاحیت عمومی و اخلاقی ایشان هستند، قطعاً از این طریق طرفی برنخواهند بست.

موج‌سواری بر اتفاقات اخیر و تلاش برای کسب شهرت

برخی که محسن برهانی را به تازگی شناخته‌اند گمان می‌کنند که اعتراض و انتقاد ایشان به احکام اعدام صادره، صرفاً سیاسی و برای سوار شدن بر موج جاری کشور است؛ در صورتی که وی از سال‌ها قبل به این مساله توجه ویژه داشته و علاوه بر واکنش نسبت به اتفاقات روز، از لحاظ علمی نیز فعالیت داشته است. به عنوان مثال او در سال 1394 مقاله‌ای با عنوان «افساد في الارض؛ ابهام مفهومی، مفسد عملی» منتشر کرد که در آن از منظر فقه شیعی به نقد علمی ماده 286 قانون مجازات اسلامی پرداخت. او همچنین در سال 1396 در مقاله‌ای که نویسنده این سطور هم در تالیف آن توفیق همکاری با وی را داشت، درخصوص «تقلیل‌گرایی نسبت به مجازات‌های سلب‌کننده حیات در حقوق کیفری ایران» قلم زده و راهکاری برآمده از فقه ارایه داد که بتوان تعداد اعدام‌ها در ایران را به‌طور چشم‌گیری کاهش داد. برهانی جزو منتقدان جدی قانون مبارزه با جرایم مواد مخدر و تجویز اعدام‌های گسترده در آن قانون بود و در همین زمینه مقالات،

سخنرانی‌ها و همایش‌های زیادی را ترتیب داده و حاصل این تلاش‌ها تغییر این قانون و کاهش بسیار زیاد تعداد اعدام‌ها شد. لذا برچسب موج‌سوار و طالب جلب‌توجه در آشفته‌بازار کشور، در خصوص محسن برهانی ناچسب و نادقیق است. آنهایی که از نزدیک با او آشنایی دارند، گواهی می‌دهند که آنچه باعث واکنش محسن برهانی به مسائل اخیر شده، غیرت دینی و آزادی‌خواهی شخصیتی او بوده است و بس.

چرا برهانی سیبل شد؟

از ابتدای اعتراضات اخیر، افراد زیادی از منظرهای مختلف نسبت به اتفاقات کشور انتقاداتی کردند و محسن برهانی نیز به عنوان یک استاد حقوق، انتقاداتی را مطرح کرد اما تفاوت مهم برهانی با بسیاری از منتقدین این بود که او انتقاداتش را از زبان فقه، شریعت و قوانین موجود مطرح می‌کند. او بارها به تفصیل بیان کرده که بسیاری از رفتارهای صورت‌گرفته از سوی مقامات امنیتی و قضایی - فارغ از نگاه‌های اپوزیسیونی و حقوق بشری- حتی بر طبق قوانین موجود نیز خلاف و اشتباه است و برخی احکام صادره از منظر فقه شیعی نیز با ایرادات جدی روبروست. این مهم‌ترین تفاوت برهانی با بسیاری از منتقدین داخلی و خارجی بود و همین مساله برهانی را در سیبل برخورد تا حد اخراج از دانشگاه قرار داد.

بنا به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد هرگونه تلاش برای حذف محسن برهانی و امثال او، رفتاری سیاسی بوده و به نفع کشور نیست. هر نوع توجیه برای غیرسیاسی نشان دادن احکامی اینچنین، موفق به قلب واقعیت و اقناع ذهن جامعه نمی‌شود و ادعاهایی مانند عجز علمی یا انحرافات اخلاقی برای هیچ ناظر عاقلی قابل پذیرش نیست. امیدوارم هرچه زودتر موانع استفاده علمی از محسن برهانی برطرف شود و دانشکده حقوق دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌ها مجدداً توفیق استفاده از دانش حقوقی ایشان را داشته باشند. همچنین امیدوارم عاملین دستگاه قضایی به انتقادات مشفقانه و دلسوزانه او توجه کافی داشته و جلوی روندهای خلاف قانون را بگیرند.

دانش‌آموخته حقوق جزا از دانشگاه تهران

و وکیل پایه یک دادگستری

منبع: روزنامه اعتماد 2 به 1401 □□□□□□